نوا

آسیب‌های موسیقی نواحی در خیابان

بی‌توجهی به موسیقی نواحی ایران، حدیث مکرری است، اما امروز نمی‌خواهیم این‌جا به بحثی تکراری دامن بزنیم. لابد شما هم دیده‌اید که در خلال محدودشدن این موسیقی در جشنواره‌ها، چند وقتی است که در ایستگاه‌های مترو به صورت سازماندهی شده، نمونه‌هایی از اجراهای موسیقی نواحی را شاهد هستیم که اتفاقا از سوی مردم مورد استقبال هم قرار می‌گیرند. همین ماجرا سبب شده که خبرگزاری ایسنا در بررسی چنین نگاهی به موسیقی نواحی، این سوال را پیش بکشد که بردن موسیقی نواحی به خیابان‌ها آن هم به شکل سازماندهی‌شده، تا چه اندازه در شناساندن این نوع موسیقی به مردم کمک خواهد کرد؟ آیا برای این کار از هنرمندان حرفه‌ای استفاده می‌شود؟ و این‌که برای این اقدام آیا می‌توان آثار تخریبی هم متصور بود؟ این خبرگزاری، برای دریافت پاسخ این سوالات، با علی مغازه‌ای کارشناس و پژوهشگر موسیقی اقوام، گفت‌وگوی مفصلی داشته است که مهم‌ترین حرف‌های او در این باره را گزین کرده‌ایم:

کار درستی نیست که نهادی دولتی موسیقی اقوام را با استفاده از نوازنده‌های محلی در جایی مانند مترو اجرا می‌کند. چون دولت در چنین حالتی قصد دارد یک فرهنگ خاص را آن‌گونه که خودش می‌خواهد، هدایت کند. این کار دستاوردی برای مردم، هنر و هنرمند نخواهد داشت. حقیقت این است که نیازی نیست دولت اجرای خیابانی موسیقی نواحی بگذارد؛ زیرا بیش از نیم‌قرن است ما شاهد اجرای سازهایی از جمله سرنا، دهل، دایره، بالابان و... توسط نوازندگان دوره‌گرد در جای جای تهران هستیم. پس روشن است که این بحث نه جدید و نه بغرنج است.

برخی موضع‌گیری‌های بد و ناشایست نسبت به موضوع موسیقی خیابانی توسط برخی مطرح شده که از آن به عنوان تکدی‌گری و گدایی یاد می‌کنند. به همین دلیل جلوی کار آنها گرفته می‌شود.

در حالی که افراد دیگری از همان دولتی‌ها از این افراد برای اجرا در مترو استفاده می‌کنند.

دولتی‌ها با این اقداماتشان هنرِ نوازندگان دوره‌گرد را محدود کرده و در عین حال یک خرده‌فرهنگ را از بین می‌برند.

اتفاقا موسیقی نواحی با دخالت دولت بیشتر در معرض نابودی خواهد بود. هر امر فرهنگی خودبسنده و پویاست و اگر نمی‌توانیم آن را حمایت کنیم با مدل آیین‌نامه و بخش‌نامه با آن برخورد نکنیم. خودش بلد است زندگی خودش را ادامه دهد؛ چراکه هزاران سال است این فرهنگ شکل گرفته و ادامه داشته است.



چطور یک فیلم مستند، از خجالت فیلم‌های داستانی درآمد و راهی آمریکا شد؟

در جست‌وجوی اسکار

با سخنگوی هیات معرفی فیلم ایرانی به اسکار ۲۰۲۰ درباره این موضوع حرف زدیم

نمایی از فیلم سینمایی مستند «در جستجوی فریده»



علی رستگار
سینما

نه رویارویی صمد و ناصر در متری شیش و نیم، نه عبوسی و احوالات تلخ جلال در قصر شیرین، نه عاشقانه ناکام و تراژیک فائزه و نه وظیفه شناسی جنون آمیز سرگرد نعمت جاهد در سرخپوست؛ هیچ کدام از اینها بنا به تشخیص جمعی هیات معرفی فیلم ایرانی به اسکار، شایستگی تام و تمام را برای اسکار نداشتند و تشخیص نهایی فرشته طائرپور، فاطمه معتمدآریا، ابوالحسن داودی، تورج منصوری، رسول صدرعاملی، امیر اثباتی، مرتضی رزاق کریمی و مهرزاد دانش این بود که به جای همه فیلمهای داستانی، مستند در جست و جوی فریده ساخته آزاده موسوی و کوروش عطائی را راهی اسکار ۲۰۲۰ کنند.

این انتخاب عجیب که بدون مقدمه و اطلاع رسانی، با تعجیل و به قولی شبانه صورت گرفت، از زمان انتشار و رسانه ای شدن، حاشیه هایی را همراه داشت و اهالی سینما و رسانه نسبت به آن واکنش نشان دادند. سعی کردیم در گفت و گو با رائد فریدزاده، سخنگوی هیات معرفی فیلم ایرانی به اسکار ۲۰۲۰، به جواب سوالات و ابهاماتی برسیم که در این زمینه مطرح است.

حاشیه یک انتخاب

در جست و جوی فریده باوجود این که فیلم شایسته ای در حوزه سینمای مستند است، اما انتخاب محتاطانه و بی خطری برای ارسال به اسکار به نظر می رسد و احتمالا هیات انتخاب برای این که از چالش انتخاب هریک از فیلمهای متری شیش و نیم، قصر شیرین، سرخپوست، شبی که ماه کامل شد و... بگریزد و درصورت معرفی هر یک از این فیلمها، ناگزیر به توضیحی درباره رد باقی آثار بود، بهترین راه را انتخاب یک اثر مستند دانست، اما این تصمیم، نتیجه عکس داد و حاشیه ها بیشتر از هر انتخاب دیگری شد.

فریدزاده دراین باره به جام جم گفت: هر انتخابی، حاشیه هایی را همراه دارد و هر هیات انتخابی به جز این، ممکن بود انتخاب کاملا متفاوتی داشته باشد. اگر به سابقه و وزن دوستان در سینما و هیات انتخاب نگاه کنیم، این انتخاب با رعایت همه جوانب بوده است. دوستان هیات انتخاب ابتدا بیش از ۷۰ فیلم را دیدند و بعد به ۱۰ فیلم و در نهایت به سه فیلم اصلی رسیدند و درباره همه آثار به ویژه سه فیلم نهایی معطوف به موضوع و مباحثی چون حضورهای بین المللی و پخش کننده آنها و دیگر جوانب مفصل صحبت کردند. وقتی چنین هیات وزینی این انتخاب را انجام می دهد، بیانگر این است که سینما را در کلیت خود می بینند. این هیات به وجهی نگاه می کند که در این سالها خیلی پیشرفت کرده و نسبت به سینمای داستانی حضور بین المللی درخشان داشته اما همیشه مغفول مانده است. باوجود تضارب آرا و اختلاف نظرها، همه اعضا بر برآیند این انتخاب، صحه می گذارند.

یکی از سوالاتی که وجود دارد این است که چرا درجست‌وجوی فریده برای حضور در بخش مستند ارسال نشد و آیا امکان ارسال یک فیلم دیگر از ایران برای حضور در بخش بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان اسکار نبود؟ سخنگوی هیات معرفی فیلم به اسکار دراین باره توضیح داد: هر کشور از جمله ایران فقط می تواند یک فیلم را برای حضور در بخش بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان به اسکار ارسال کند. بنابراین ما نمی توانیم برای یک بخش دو فیلم مستند و داستانی معرفی کنیم، اما با تغییرات چند سال اخیر در قوانین اسکار، امکان ارسال آثار مستند و پویانمایی هم در این بخش وجود دارد.

آیا فرصت‌سوزی رخ داده است؟

برخی تحلیلگران معتقدند سینمای داستانی ایران در این یک سال اخیر، چند فیلم خوب و متفاوت داشت که در جشنواره فیلم فجر و اکران عمومی، موردتوجه قرار گرفتند. درصورت معرفی هرکدام از این آثار به اسکار، سینمای جهان با چهره تازه ای از سینمای ایران مواجه می شد. با معرفی یک فیلم مستند، امکان این ارائه دست کم در آمریکا و در بزنگاه اسکار از دست رفت. فریدزاده درباره احتمال این فرصت سوزی بیان کرد: اسکار یک فرصت است و قطعا ما باید از آن استفاده کنیم. اما اگر ما عرصه بین المللی را فقط در وجه اسکار، خلاصه نکنیم، همه فیلم های خوب داستانی ما در دیگر رویدادهای جهانی سینما امکان معرفی و دیده شدن را دارند. واقعیت این است که در سال های اخیر، جایگاه سینمای داستانی ما در عرصه بین الملل کمرنگ تر شده است و بالعکس ما این رشد را در زمینه سینمای مستند شاهد هستیم و این سینما حضور بین المللی بهتری دارد. جمع بندی هیات انتخاب، به گونه ای بود که در جست و جوی فریده، موضوعی کاملا جهانی دارد و با یک ساختار دراماتیک، کاملا مخاطب را درگیر می کند. هویت چندگانه و این که تعلق به کجا دارید که در این فیلم مطرح می شود، یک سوال و موضوع به روز است.

شانس کم نماینده ایران

آنچه مسلم است، ارسال یک فیلم مستند برای بخش بهترین فیلم خارجی زبان اسکار، یک ریسک به حساب می آید و معمولا چنین فیلم هایی، شانس کمی برای مقابله با آثار داستانی پرهیاهوی سینمای جهان دارند. ضمن این که اگر اشتباه نکنیم، تاکنون هیچ فیلم مستندی نتوانسته در این بخش، برنده اسکار شود و همواره فیلم های داستانی این جایزه را برده اند. وقتی از فریدزاده پرسیدیم چقدر برای موفقیت اسکاری در جست و جوی فریده و قرارگرفتن در میان پنج نامزد نهایی شانس قائل است، گفت: همیشه این امید وجود دارد و سعی همه دوستان هم معطوف به این موضوع خواهد بود که حضور نماینده ایران، درست و شایسته ای باشد و حتما هم با پخش کننده فیلم در این خصوص صحبت خواهیم کرد. واقعیت این است خود اسکار هم دستخوش تغییر و تحولاتی هم شده است. شاید در سال های قبل کسی گمان نمی کرد که فیلم هایی از این جنس حتی جزو انتخاب های اولیه باشند، چه رسد به این که حضور درخشانی داشته باشند و جایزه بگیرند. نمی توان گفت که فقط، فیلم‌های داستانی برای دریافت اسکار در بخش بهترین فیلم خارجی زبان، شانس دارند و اگر فیلم مستندی وجود داشته باشد که مخاطب را درگیر کند هم از شانس و اقبال دریافت اسکار برخوردار است. اگر این امیدواری نبود، هیات انتخاب وقت خود را تلف نمی کرد.

پاسخ به یک شایعه

سخنگوی هیات معرفی فیلم به اسکار درباره این شایعه که در جست و جوی فریده، با این‌که اکثریت آرا را کسب نکرده، به عنوان نماینده سینمای ایران انتخاب شده هم توضیح داد: فیلمی که رای کمتری نسبت به دیگر فیلم ها داشته باشد که نمی تواند انتخاب شود. این بدیهی است فیلمی انتخاب می شود که آرای بیشتری داشته باشد.

نوید محمدزاده و حامد بهداد از جمله چهره هایی بودند که نسبت به انتخاب در جست و جوی فریده برای اسکار واکنش نشان دادند. طبیعی است که آنها دوست داشتند فیلم هایی که خود بازیگر آنها بودند، به عنوان نماینده سینمای ایران راهی اسکار شود. هرچند محمدزاده، مدتی بعد از سازندگان در جست و جوی فریده عذرخواهی و برای آنها آرزوی موفقیت کرد.

وقتی از فریدزاده می پرسیم آیا نمی شد هیات انتخاب منتظر سرنوشت متری شیش و نیم در جشنواره ونیز بماند و بعد تصمیم گیری کنند که جواب داد: امسال به دلیل محدودیت زمانی که برای معرفی فیلم به اسکار داشتیم، امکان این که تا آن زمان منتظر باشیم، وجود نداشت. البته هیات انتخاب با علم و آگاهی تمام مختصات بین المللی فیلم و گزارشی که از پخش کننده گرفتند و در جلسه قرائت شد، انتخاب خودش را انجام داد.

دومین نماینده مستند

مکث

این برای اولین بار نیست که یک فیلم مستند، به عنوان نماینده سینمای ایران راهی مراسم اسکار می شود، فیلم «باد صبا» ساخته آلبر لاموریس، در سال ۵۷ نماینده سینمای ما در اسکار هم یک اثر مستند بود و بعد از فیلم دایره مینا ساخته داریوش مهرجویی، دومین فیلمی بود که به نمایندگی از کشور ما راهی اسکار شد.

فریدزاده درباره انتخاب یک فیلم مستند برای ارسال به اسکار گفت: اگر این هیاهو فروکش کند و خود موضوع دیده و نقد شود، بهتر می توان درباره این تصمیم صحبت کرد. هیات انتخاب، چنین ادعایی ندارد که این انتخاب، بی رقیب است. بحث‌های خیلی جدی درباره این انتخاب، مطرح شد. اگر این فضا کمی ملایم تر شود و امکان گفت‌وگوی حقیقی به وجود بیاید، شاید همه بتوانیم از این موضوع چه در سلب و چه در ایجاب آن بهره ببریم.



پشت صحنه

روزی روزگاری غدیر

عیدتان مبارک و بی‌مقدمه برویم ببینیم اعضای گروه ۷+۱ یعنی سنگرداران گروه فرهنگ، چه کرده‌اند.

گفتیم عید، این را هم بگوییم که دو صفحه از چهار صفحه امروزمان، دربست در اختیار سادات و عیدشان یعنی عید غدیر قرار گرفته است. چند نفری نشسته‌ایم و این پرونده دو صفحه‌ای را برایتان تدارک دیده‌ایم. محمدصادق علیزاده پس از شرکت در یکی دیگر از آیین‌های بزرگداشت متعددی که در تقدیر و تشکر از این خدوم بی‌دریغ وادی فرهنگ در تحریریه برپا شده بود، نشست پای تلفن و با حجت‌الاسلام محسن قنبریان درباره سیره حکومتی علی(ع) گفت‌وگو کرده است.

ساناز قنبری، پس از بست‌نشینی‌اش پای مقبره شمس در خوی و درنوردیدن آذربایجان شرقی و سیری در آفاق و انفس آن بلاد، بازگشتی قبراق به تحریریه را تجربه کرده و به همین فراخور رفته سراغ ۲ سینماگر از جمله رضا داوودنژاد و سیدجمال ساداتیان و از اولی درباره خاطراتش با مادربزرگ تازه درگذشته‌اش، مامان‌اتی سینمای ایران، پرسیده و از دومی هم که خودش از سادات سینمای ایران است درباره خاطراتش در روز عید غدیر.

یکی دیگر از گزارش های گروه به جای واقعه غدیر، جغرافیای آن را مدنظر قرار داده در این باره به چند پرسش پاسخ گفته. واپسین گزارش ما به مناسبت سالروز عید غدیر، نکاتی است که درباره دیوارنگاره این روزهای میدان ولی‌عصر(عج) و پویش «تا ابد بر این عهدیم» مطرح کرده‌ایم.

گیرانداختن سخنگوهای سازمان‌ها و نهادها و هیئات در روزهایی به‌خصوص، کار دشواری است؛ علی رستگار اما در این باره همواره این‌گونه است که «دوشواری؟! هیچ دوشواری نداره». از همین روست که در روز معرفی فیلم مستند «در جست‌وجوی فریده» به عنوان نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۰، علی با سخنگوی هیات معرفی نماینده ایران به این رویداد سینمایی مهم گفت‌وگو کرده و انتقادها به این معرفی را با او مطرح کرده است. محصول پینگ‌پنگ جذاب رستگار با رائد فریدزاده را در همین صفحه ۹ می‌خوانید.

پای کارهای ثابت این ستون می‌دانند که ما افتخار همکاری با پیشکسوت خبرنگاران سینمایی یعنی کیکاووس زیاری را هر روز با خود حمل می‌کنیم و از شما چه پنهان که از کت و کول افتاده‌ایم از بس که افتخار سترگ و سنگینی است. و البته پای کارهای ثابت این ستون این را هم می‌دانند که کیاخان را گرایش به بالیوود عمده بُوَد؛ به هر حال کیاخان با این عنوان پرطمطراق باید بیاید به شاهرخ‌خان و عمران‌خان و اینها. استاد زیاری امروز هم در صفحه ۱۲، گزارش اصلی را به استقبال کم‌نظیر هندی‌ها از دو فیلمی پرداخته که در سالروز استقلال این کشور روی پرده رفته‌اند. کیا نوشته که این دو فیلم حتی توانسته‌اند از فیلم تازه تارانتینو بیشتر بفروشد در هند.